

three days ago

پس‌پریروز (نه سه روز قبل)

three nights ago

پس‌پریشب (نه سه شب قبل/گذشته)

این الگوی واژه‌سازی در زبان گفتار تا مفهوم «پنج سال پیش از این» ادامه دارد مانند پارسال، پیرارسال، پس‌پیرارسال، پسون‌پیرارسال، پس‌پسون‌پیرارسال. در ترکیب «افراد گرفتار - یا افراد مبتلا به (+اسم یک بیماری یا عارضه)»، خواننده یا شنونده دوبار تلاش ذهنی می‌کند تا به مفهوم آنها پی ببرد، اما در ترکیب مبتلایان (+اسم یک بیماری یا عارضه) مسیر فعالیت مغز برای پردازش آن کوتاه می‌شود و ذهن تنها یک بار تلاش می‌کند. این معادله در مورد تفاوت بین کودکان خردسال و خردسالان هم صادق است. عبارت‌پیرایی به ذهن کمک می‌کند که با حداقل تلاش به حداکثر نتیجه برسد. بیرژی لوی^۱، نظریه پرداز ادبی و ترجمه‌پژوه چک، این مفهوم را اصل کمینه-بیشینه^۲ اصطلاح کرده. مترجم در انتخاب راهبردها و در فرآیند تصمیم‌گیری‌اش، راه‌حل‌هایی را پیدا می‌کند که با کمترین تلاش، بیشترین تأثیر را در برداشته باشد.

ترکیبات قیدی با به‌طور -، به‌نحو -، به‌طرز - و امثال آن امروزه تحت تأثیر ترجمه قیده‌های دارای -ly- انگلیسی و -ment- فرانسوی، کاربردی افراطی در فارسی پیدا کرده‌اند. آشکارا کوتاه‌تر و روشن‌تر از به‌طور آشکار است.

ابوالقاسم حالت (۱۲۹۸-۱۳۷۱) با وجودی که طنزپرداز بزرگ و شاعر فارسی‌دانی است در ترجمه کلمات قصار بزرگان غربی گاهی تحت تأثیر الگوهای زبان انگلیسی قرار گرفته، در حالی که شاید با اندک ویرایش و دستکاری در ترجمه‌اش می‌توانست به عبارات شیوای موجز فارسی برسد - کاری که هنگام فارسی‌نویسی عادتش بوده.

If thou hast fear from those who command thee, spare those who obey thee.

اگر از آنان که فرمانروای تو هستند بیم داری، به آنان که فرمانبر تو آند ببخشای (ابوالقاسم حالت، ص. ۵۴۵، ۱۳۷۱).

← اگر از فرمانروایت بیم داری، به فرمانبرانت ببخشای.

^۱ Jiri در زبان چک به صورت بیرژی تلفظ می‌شود، نه یوری یا ییری، گرچه ظاهر این کلمه برای ما با این تلفظ جور در نمی‌آید.

^۲ Minimax principle

عبارت پیرایی را یا می توان با استفاده از واژگان و عبارات آشنای موجز فارسی انجام داد (عبارت پیرایی زبانی) یا با توجه به کلیت پیام و منظور نویسنده، با دستکاری در معنا می شود به آن رسید (عبارت پیرایی مفهومی).

He knocks boldly at the door who brings good news.

کسی که خبر خودش می آورد دلیرانه در می کوبد. (همان، ص. ۱۳۰)
قاصد خوش خبر دلیرانه در می کوبد.

با دادن معادل «قاصد خوش خبر» عبارت پیرایی مفهومی صورت گرفته. حسن دیگرش در این است که خواننده را به یاد این ترکیب آشنا و اشعار فارسی ای که این ترکیب عیناً یا با فاصله ای در اجزا در آنها به کاررفته (مانند شعر «قاصدک» مهدی اخوان ثالث) می اندازد و حافظه زبانی ما را برمی انگیزاند.

عبارت پیرایی زبانی

He who commits injustice is ever made more wretched than he who suffers it.

کسی که ظلم می کند بیچاره تر از کسی است که ظلم می بیند. (همان، ص. ۵۳۶)
← ظالم بیچاره تر از مظلوم است / ستمگر بیچاره تر از ستم دیده است.

عبارت پیرایی مفهومی

He knows best what good is that has endured evil.

کسی بهتر از همه نیکی را می شناسد که بدی را تحمل کرده باشد. (همان، ص. ۵۳۱)
← کسی قدرشناس نیکی است که طعم بدی را چشیده باشد.

He eventually gambled away whatever he had.

«آنچه را که داشت» را می توانیم به «دار و ندار» تبدیل کنیم تا از رهگذر عبارت پیرایی مفهومی به یک عبارت اصطلاحی فارسی برسیم (هرچند که عبارت فارسی تر تفاوتی از نظر تعداد هجاها ندارد).

The protagonist does something, or observes something done, that leaves him "sadder but wiser." He loses, but learns *something about how the world works*.

من مترجم هر قدر به ذهن فشار می آورم برای something about how the world works نمی توانم به چیزی جز «گردش روزگار» برسم.

عبارت پیرایی فایده دیگری هم دارد و آن کوتاه و روان کردن جمله‌های بلند است. جمله‌های انگلیسی و فرانسوی طولانی‌تر از جمله‌های فارسی هستند و انتقال آنها به فارسی گاهی به جمله‌های دور و درازتری می‌انجامد. اگر نشود جمله‌های بلند را به دو یا چند جمله کوتاه فارسی تبدیل کرد یا مترجم نخواهد چنین کاری بکند، می‌توان در مواردی از رهگذر عبارت پیرایی از طول آنها کاست.

مثال‌های دیگری از عبارت پیرایی

کسانی که انگلیسی می‌آموزند ← زبان آموزان انگلیسی
کسانی که به زبان انگلیسی صحبت نمی‌کنند ← غیرانگلیسی‌زبانان
آزار کودک توسط والدین (child abuse by parents) ← فرزندآزاری
افراد جوان باید آموزش داده شوند تا با افراد پیر تعامل داشته باشند ← جوانان را باید آموزش داد تا با پیران تعامل داشته باشند
هر آنچه را که می‌توان گفت (all that may be told) ← گفتنی‌ها
افراد آشنای دیگر ← دیگر آشنایان، آشنایان دیگر
فراهم آوردن زمینه (to establish grounds) ← زمینه‌چینی
در عبارت پیرایی، پاره‌های گفتار را کوتاه‌تر می‌کنیم، از زبان اصطلاحی استفاده می‌کنیم یا گروه مفصل اسمی یا صفتی و جز آن را (که در حوزه نحو و دستور قرار دارد) به یک ترکیب کوتاه و رایج (که در مقوله واژه‌شناسی قرار دارد) تبدیل می‌کنیم و زبان طبیعی به کار می‌بریم نه زبان ترجمه‌زده.

تبدیل به یک اصطلاح

self-harm آسیب زدن به خود ← خودآسیب‌زنی، خودزنی
the wool sheared in Spring پشمی که در بهار دیده می‌شود ← پشم بهاره
mutual assistance کمک متقابل ← تعاون

تبدیل عبارت به ترکیب

region of law حکومت قانون ← قانون‌سالاری
data analysis تجزیه و تحلیل داده‌ها ← داده‌کاوی
future research پژوهش راجع به آینده ← آینده‌پژوهی
vacuum measurement اندازه‌گیری خلأ ← خلأسنجی

تبدیل به واژه طبیعی فارسی	
a little bell	زنگ کوچک ← زنگوله
wheat field	مزرعه گندم ← گندمزار
the house of pleasure	خانه/ مکان لذت ← طربخانه
the field of battle	میدان جنگ ← آوردگاه
This is the dead land. This is the cactus land.	«اینجا سرزمینی مرده، سرزمین کاکتوس است» (بهرام کریمی پور، ۱۳۷۷: ۱۴۴) ← اینجا مرگزار است. اینجا خارزار است.
One thing I can't bear is getting up early in the morning.	چیزی که نمی توانم تحملش کنم صبح زود برخاستن است ← چیزی که نمی توانم تحملش کنم سحرخیزی است.

جمله‌واره‌هایی را که با what و واژه‌های مشابه شروع می‌شوند و ترجمه ظاهرشان به جمله‌واره‌ای طولانی می‌انجامد به سادگی می‌توان به واژه‌ها و ترکیب‌های بسیار جمع و جورتر بدل کرد.

what they have seen	مشاهداتشان
what is seen or heard	دیده‌ها و شنیده‌ها
what cannot be said	نگفتنی‌ها
what to do and what not to do	بایدها و نبایدها
friends who share the same interest	دوستان هم‌عقیده

موارد زیر، که متأسفانه اصل انگلیسی‌شان را ننوشتیم، نه تنها فارسی و طبیعی نیستند بلکه چه بسا خواننده را گیج کنند:

نگاه کردن پیوسته و طولانی ← چشم دوختن، چشم برنداشتن
نگاه کردن با انحراف به چپ یا راست ← از گوشه چشم نگاه کردن
جستجو کردن با نگاه ← چشم دواندن
او جهت دید خود را در جهت مخالف مشاور قرار می‌دهد ← او چشمش را از مشاور می‌گرداند.

عبارت‌پیرایی باعث می‌شود به ترکیبات کوتاه و موجز برسیم و با حداقل کلمات بتوانیم حداکثر معنا را انتقال دهیم. پس کم‌گوی و گزیده‌گوی همچو دُر، اما هر نوع

کم‌گویی هم گزیده‌گویی نیست. پس باید مواظب پیچیده‌گویی و ابهام هم بود. کم‌گویی و عبارت‌پیرایی امکان دارد در مواردی به سنگین شدن بار اطلاعاتی جمله بینجامد و متن شما را ثقیل و سخت و نامفهوم کند.

■ نبودن رابطه یک به یک بین جمع و مفرد فارسی و انگلیسی

نظام جمع و مفرد در فارسی و انگلیسی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند. امکان دارد اسمی در انگلیسی به صورت جمع به کار رود اما معادل فارسی آن مفرد باشد، یا برعکس.

information و communication مفردند و معادل فارسی‌شان (اطلاعات و ارتباطات) جمع هستند. education در higher education مفرد است و معادل فارسی‌اش (تحصیلات) جمع. (تازه برای er- تفضیلی انگلیسی معادلی نیاورده‌ایم: تحصیلات عالی). پس آنچه در انگلیسی جمع است الزاماً همیشه در فارسی جمع نیست و آنچه در انگلیسی مفرد است الزاماً همیشه در فارسی مفرد نیست.

... پادشاهی نیک از میان برود و شمشیرهای مختلف کشیده شود و خون‌ها ریخته آید...

... kingship disappears altogether, opposing swords are drawn, blood is shed ... (H. Darke, 1978: 9; ۱۳۵۵، ۱۱، ص. ۹)
معادل «خون‌ها»ی فارسی، blood مفرد انگلیسی است.

چو پای خود بر سر نهی، پا بر سر اختر نهی

When you place your feet on your head, you will place your feet on the heads of the stars. (مولوی، غزلیات شمس، ترجمه نیکلسون)

پا و اختر در فارسی مفرد و معادل‌شان (stars و feet) جمع‌اند.

The cold passed reluctantly from the earth and the retiring fogs revealed an army ...

سرما با اکراه از زمین برخاست و مه که پس می‌نشست سپاهی را پدیدار ساخت.

مفرد فارسی در مقابل جمع انگلیسی

crocodile tears

اشک تمساح

during times of war

در زمان جنگ

جمع فارسی در مقابل مفرد انگلیسی

equal employment opportunity	فرصت‌های برابر شغلی
time of separation	ایام فراق
educational reform	اصلاحات آموزشی
social development	تحولات اجتماعی

در انگلیسی اسم می‌تواند اسم دیگری را توصیف کند مانند ترکیب مضاف و مضاف‌الیه ما. در این موارد اسم اول یعنی توصیف‌گر معمولاً مفرد است، مگر این مفهوم به گونه‌ای باشد که نتوان آن را مفرد آورد و باید همیشه جمع باشد مانند systems theory: نظریه نظام‌ها/ نظام‌گان. در arms race و arms control (مسابقه تسلیحاتی و کنترل تسلیحاتی) اسم جمع انگلیسی را به صفت تبدیل کرده‌ایم. در مثال‌های زیر اسم‌های توصیف‌گر انگلیسی همگی مفردند و ما آنها را به جمع برگردانده‌ایم:

open door policy	سیاست درهای باز
ghost town	شهر ارواح
generation gap	شکاف نسل‌ها
color classification	رده‌بندی رنگ‌ها
color palette	مجموعه رنگ‌ها

شاید مثال‌هایی که در بالا آوردم در مواردی کاربردهای دیگری داشته باشد یا شاید شما معادل‌های دیگری متفاوت با معادل‌های من پیشنهاد بدهید، ولی تفاوتی در نفس قضیه نمی‌کند: رابطه و تطابق یک به یک بین جمع و مفرد فارسی و انگلیسی برقرار نیست.

با وجودی که تشبیه در فارسی وجود ندارد، تعداد محدودی اسم مثنی داریم که بیشتر از عربی گرفته‌ایم و گاهی با قیاس با عربی ساخته‌ایم. در حدود دهه اخیر اصطلاح «وزارتین» را برای وزارت علوم، و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی ساخته‌ایم. برخی از این موارد عبارتند از زوجین، طرفین، وسطین (در ریاضی)، عراقین (عراق عرب و عراق عجم)، خیارین (خیار معمولی و خیار چنبر)، انارین (انار شیرین و انار ترش). از آنجا که انگلیسی مقوله تشبیه را ندارد، عنصر خاصی نداریم که معادل

ساختار تثنیه عربی باشد و در نتیجه از عبارت the two و یک اسم جمع استفاده می‌کنیم.

the two spouses

زوجین

the two parties

طرفین معامله

the two extremes

طرفین (در منطق و ریاضی)

the two Worlds/ Realms/ Existences

کونین

the two pomegranates

انارین

the two cucumbers

خیارین

the Two Sanctuaries

حرمین شریفین
